

ادامه از صفحه ۷

دید بلندمدت داشته باشیم نه فرصت طلبانه

ۛ نوع نگاه کنونی حزب اسلامی حکمتیار به مسئله زنان و مسائل نظامی، سیاسی و امنیتی دولت کابل چه بود؟

کسانی که با دولت همکاری می‌کنند، باید یک شرط را قبول کنند و آن احترام به قانون اساسی افغانستان است؛ در قانون اساسی به حقوق همه شهروندان زن و مرد توجه شده است. هر کسی در میدان سیاسی افغانستان فعالیت می‌کند، باید به این قانون احترام بگذارد. این اصول غیرقابل تغییر است. البته حزب آقای حکمتیار هم هیچ‌وقت موضع صذرزن نداشتند.

ۛ یکی از انتقادهای داخلی به دولت وحدت ملی در افغانستان تک‌قومی‌کردن دولت است؛ چقدر مسئله قومیت‌ها در کنار مسئله فرقه‌گرایی می‌تواند آینده افغانستان را تحت‌تأثیر قرار دهد؟

مسائلی که مبنای قومیتی داشته باشد، در قانون اساسی و قوانین جاری افغانستان جایگاهی ندارد. البته در هر جامعه‌ای گروهی با حزبی می‌تواند در اقلیت باشد ولی این به معنی حذف آن گروه نیست. در سطح حکومتی و تصمیم‌گیری شاهد هستیم که رئیس‌جمهوری بارها در مناسبات متعدد روی این نقطه تأکید کرده‌اند که هیچ افغان از افغان دیگری کمتر نیست و هیچ افغانی از افغان دیگر برتر نیست. قوانین افغانستان راه را بر همه شهروندان باز گذاشته تا فعالیت سیاسی و مدنی داشته باشند.

ۛ در قانون اساسی افغانستان دو زبان پشتو و فارسی دری به رسمیت شناخته شده است. ولی اخیرا با پایین آوردن تابلوی دانشگاه کابل و تغییر کلمات فارسی در این تابلو به پشتو به نظر می‌رسد فارسی‌زدایی در دستور کار قرار گرفته است.

ما در افغانستان زبان‌ها و قومیت‌های متعددی داریم. در قانون اساسی به تعدادی از این زبان‌ها اشاره شده است ولی دو زبان فارسی و پشتو در سطح کل کشور زبان رسمی هستند. در میان پشتون‌ها تعداد عظیمی وجود دارند که زبان خانوادگی آنها فارسی است. ما شعرا، نویسندگان و مشاهیر نامدار و بافقرانی داریم که پشتون هستند و آثار و شهرت آنها به زبان دری یا فارسی است. زبان فارسی زبان تاریخ، فرهنگ و مشاهیر افغانستان است. افغانستان در انتشار این زبان در آسیای میانه و هندوستان نقش اساسی داشته است. افغانستان به فارسی افتخار می‌کند؛ البته ممکن است که افرادی نظرات دیگری داشته باشند ولی این افراد در اقلیت هستند. نگاه اکثریت این است که در سیستم رسانه‌ای و رسمی افغانستان فارسی بیشترین کاربرد را دارد. فارسی قرن‌ها زبان تفاهم بین‌الاقوامی در کل منطقه بوده است.

ۛ در چه صورتی ممکن است مسئله زبان دری با پشتو محل تنش و اختلاف‌نظر در افغانستان شود؟ تنش در کار نخواهد بود. برداشته‌های مختلف از نص قانون می‌شود. برخی به این نظرند که اصطلاحات جاقفاده را تغییر ندهند.

ۛ گفته می‌شود این تصمیم‌ها ریشه در فارسی‌ستیزی در افغانستان دارد که این مسئله نتیجه سیاست‌های مهار نفوذ ایران در منطقه و به خواست مخالفان ایران مانند عربستان اتفاق می‌افتد؟

من با این دید موافق نیستم؛ زبان فارسی از ایران به افغانستان صادر نشده است، بلکه ریشه در تاریخ و فرهنگ و هویت افغانستان دارد. افغانستان به‌عنوان مهد زبان فارسی مطرح است. این زبان مولاناس که زادگاهش بلخ است و زبان فردوسی که در غزنه بوده است؛ این زبان رودکی سمرقندی و سنایی غزنوی و عمر خیام و سعدی و حافظ است که همه به حوزه پهناور فرهنگ فارسی مربوط می‌شوند و افغانستان از مراکز اصلی این زبان و فرهنگ است.

ۛ با توجه به اولین سفر اشراف غنی بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری به عربستان با توجه به همراهی او در حمایت از سیاست‌های عربستان در قبال یمن گفته می‌شود که در نتیجه نزدیکی این دو کشور درنهایت ممکن است عربستان بخواهد بر رابطه ایران-افغانستان تأثیرگذار باشد.

افغانستان کشور مستقلی است که در چارچوب منافع ملی خود با کشورها رابطه برقرار می‌کند. افغانستان می‌خواهد محل اختلاف با همکاری قدرت‌های منطقه‌ای باشد نه محل تقابل کشورها علیه همدیگر. ما نشان داده‌ایم با وجود اینکه ایران با آمریکا رابطه ندارد و آمریکا در افغانستان حضور دارد که نتیجه حوادث یازدهم سپتامبر است. ایران همچنان کشوری برادر، دوست و همسایه و هم‌فرهنگ افغانستان باقی بماند. ما نمی‌توانیم برای ایران بدیل دیگری داشته باشیم. در شرایط فعلی به دلایل امنیتی، آمریکا در افغانستان حضور دارد ولی این در روابط ما با ایران تأثیر منفی نداشته است. سیاست افغانستان این است که رابطه با همسایه‌ها در اولویت قرار دارند. ما در مرحله دوم می‌خواهیم با کشورهای اسلامی ارتباط داشته باشیم. ما خواهان دوستی کشورهای اسلامی با هم هستیم و اگر در این راه بتوانیم کاری انجام دهیم با کمال میل آماده همکاری هستیم. ما نمی‌خواهیم شریک دامن‌زدن به اختلافات میان کشورهای اسلامی باشیم. دکتر اشرف غنی نزدیک به سه سال است که رئیس‌جمهور افغانستان است و در این مدت سه بار به تهران سفر داشته است. در مورد مسئله یمن هم این اختلاف دیدگاه به معنای تقابل یا گرفتن جانب طرف درگیر نبود. موضع‌گیری رئیس‌جمهور به معنای این بود که وحدت و همبستگی دنیای اسلامی و امنیتی حرمین شریفین مورد توجه باشد و کسی با این مسئله مخالفت نیست.

politics@sharghdaily.ir

شرق

شرق: روزنامه‌نگار سابق، شهردار پیشین و تاریخ‌نگار بریتانیایی امروز در کسوت وزیر امور خارجه انگلستان به تهران سفر می‌کند. بوریس جانسون اگرچه با موهای زرد پریشانش شباهت مثال‌زدنی با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دارد اما در سیاست، عاقلانه‌تر از او رفتار می‌کند.

این سفر یکی از معدود سفرهای وزیر خارجه انگلیس به تهران است که ناگفته پیداست اصلی‌ترین موضوع مورد بررسی آن، پرونده نازنین زاغری، شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی محبوس در ایران است. پرونده این روزنامه‌نگار همکار با مؤسسه رویترز اخیرا به دفعات خبرساز شده و سخنگوی دستگاه قضا در مورد پرونده او گفته «این فرد برایش حکمی صادر و قطعی شده و در حال تحمل کیفر است». همچنین برخی رسانه‌های غربی این سفر و رایزنی برای آزادی

نازنین زاغری و بازپرداخت «بدهی ۴۵۰میلیون پوندی بریتانیا به ایران» را مرتبط می‌دانند که پیش‌تر سفیر ایران در انگلیس توضیح داده بود که بازپرداخت این مبلغ بعد از دو دهه دعوی حقوقی و به دنبال یک قرارداد نظامی بین ایران و انگلیس از دوران شاه انجام می‌شود.چندی‌پیش ظریف و جانسون نیز در مورد پرونده زاغری با هم تلفنی صحبت کردند. ظریف با تأکید بر تفکیک قوا در ایران توضیح داده که به دلیل مسائل اخلاقی و انسان‌دوستانه نگرانی دولت انگلیس را به اطلاع مقامات قضائی ایران می‌رساند. جانسون در حالی در مورد این دوتابعیتی مذاکره می‌کند که خودش تا یک سال پیش تابعیت دوگانه بریتانیا و آمریکا داشت. سخنگوی وزارت خارجه ایران توضیح داده که «در این سفر آخرین وضعیت روابط دوجانبه به‌خصوص در حوزه همکاری‌های عالی اقتصادی دو کشور، گسترش روابط تجاری، مسائل منطقه‌ای و تحولات بین‌المللی مورد گفت‌وگو و تبادل نظر قرار خواهد گرفت». روزنامه انگلیسی گاردین هدف این سفر را گفت‌وگو درباره حوزه بانکی و وضعیت جدید روابط دو کشور دانسته است.

قرار است جانسون در تهران با همتای ایرانی‌اش و دریاان علی شمخانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی و برخی دیگر از مقامات ارشد کشور دیدار و گفت‌وگو کند. این سفر در ۱۴ سال گذشته سومین حضور وزیر خارجه انگلیس در ایران است.

بوریس جانسون و البته دولت متبوعش در بریتانیا حافظ برجام شناخته می‌شوند. تریزا، نخست‌وزیر این کشور بارها در گفت‌وگو با دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو از کارآمدی برجام و پایبندی این کشور به این توافق سخن گفته است. همان‌طور که ماه گذشته جانسون به‌عنوان یکی از وزرای اروپایی برای متقاعدکردن نمایندگان کنگره آمریکا به واشنگتن سفر کرد تا در مورد منافع برجام و پایبندی به آن رایزنی کند. البته این سفرها ارشد اروپایی در حال تلاش برای حفظ برجام هستند؛ از جمله فدریکا موگیرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه

دیپلماسی

بوریس جانسون امروز به ایران می‌آید

وزیر انگلیسی در تهران



اروپا که او نیز در همین زمینه به واشنگتن سفر کرد. اما دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا موضوع برجام را به کنگره واگذار کرده تا در این مورد تصمیم‌گیری کند. او گفته نمایندگان با افزودن تبصره‌ای به این توافق، نواقصی آن را رفع کنند اما این مورد تصامی ترامپ از سوی دیگر شرکای برجام با مخالفت مواجه شده است. در حالی که این توافق غیر از آمریکا شش شریک دیگر از جمله ایران، آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین و البته اتحادیه اروپا هم دارد که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون دیگران در این توافق تغییری ایجاد کند. کنگره باید به‌زودی در این مورد تصمیم بگیرد. اینها در حالی است که برجام یکی از موضوعات رایزنی جانسون در تهران نیز خواهد بود. جانسون همچنین قرار است به دو کشور دیگر در خاورمیانه نیز سفر کند.

۳دهه فراز و فرود

ایران و بریتانیا، حتی بیش از ایران و آمریکا تجربه فراز و فرود دارند. در سه دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سه بار رابطه دو کشور قطع و بعد از مدتی از سر گرفته شده است. حتی در آخرین دور قطع رابطه که بعد از اشغال سفارت در دولت محمود احمدی‌نژاد رخ داد، مجلس شورای اسلامی با تصویب طرحی، وزارت امور خارجه را موظف به کاهش سطح روابط با انگلیس از سفیر به کاردار کرد (ششم آذر ۹۰). اگرچه مجلس به دنبال تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از سوی انگلیس این مصوبه را گذراند اما همان مصوبه آتش برخی را آن‌چنان شعله‌ور کرد که اقدام به اشغال سفارت بریتانیا در خیابان فردوسی تهران کردند. این آخرین نوبت از قطع رابطه دو کشور بود که در تمام دولت یازدهم، کام‌به‌کام به سطحی رسید که اکنون وزیر خارجه این کشور راهی تهران می‌شود. از ملاقات وزرای خارجه دو کشور در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۹۲ تا مذاکرات دوجانبه در حاشیه مذاکرات هسته‌ای و نهایتاً اعزام کاردار غیرمقیم آغاز شد و به کاردار مقیم و بعد تبادل سفیر رسید. البته این فرایند حدود چهار سال به طول انجامید و گام به گام انجام شد تا فیلیپ هاموند وزیر خارجه پیشین انگلیس اواخر تابستان

کند. انگلیس از برجام خیلی استقبال کرد، اما هنوز تحریم‌های بانکی به صورت کامل برداشته نشده که این یک مانع است. مانع دوم نبود استراتژی لازم در روابط اقتصادی است که نه ایران برای آن طرحی تنظیم کرده است – نه برای اروپا و چه برای انگلیس – و نه مسائل سیاسی بین دو کشور به صورت جدی حل شده‌اند. به‌همین خاطر است که هر روز شاهد یک بحران جدید هستیم که به صورت مودی حل می‌شود تا دوباره یک بحران دیگر به‌وجود می‌آید. همه این مسائل باید در یک بستر مشترک حل شوند.

ۛ به برجام اشاره کردید؛ چندوقت پیش بوریس جانسون به آمریکا سفر داشت و در آن با بعضی اعضای کنگره دیدارهای دوجانبه‌ای به منظور حفظ برجام انجام داد، اما از طرفی انگلستان در بسیاری از موضوعات دیگر، از جمله مسائل منطقه‌ای، ایران را متهم می‌کند. آیا به این لحاظ می‌توان سیاست‌های انگلیس و فرانسه را به هم شبیه دانست؟ آیا راهبرد مشترکی در اروپا در خصوص ایران وجود دارد یا خیر؟

فکر می‌کنم اروپا کلا مسئله برجام را پذیرفته و به دنبال این هستند که از این فرصت استفاده کنند و رابطه خودشان را به‌لحاظ تجاری و اقتصادی با ایران توسعه دهند، اما عوامل دیگری باعث می‌شوند که بحران‌های جدیدی در روابط بروز کند و اجازه ندهد که ما روابطمان را با این کشورها تنظیم کنیم. باید مسئله عدم تفاهم دو کشور در یک بستر مناسب حل شود. برجام را می‌توان سند بسیار خوبی برای آغاز روابط با کشورهای اروپایی دانست، اما اینجا همه مشکلات بین‌المللی و منطقه‌ای را در ردیف دخیل کنند که این هم شدنی نیست. هر روز مشکل جدیدی به‌وجود می‌آید که آنها یا به خواست خودشان یا با فشارهایی که آمریکا و جامعه بین‌المللی می‌آورد مجبور می‌شوند در روابطشان با ایران بازیابی کنند؛ مثل فرانسه که این کار را کرد. ما با انگلیس هم همین مشکل را داریم. به نظر من این مسئله باید در جایی با نقاط مشترک حل شود. موضوعات مشترکی را باید پیدا کنند که فارغ از بحران‌ها بتوان بر اساس آن، روابطی را برای دو طرف تعریف کرد.

دیپلماسی

داشت و در نیمه‌های سال ۱۳۷۷ بود که سیاست‌های تنش‌زدایی دولت اصلاحات، منجر به ارتقای سطح روابط تهران و لندن از کاردار به سفیر شد.

در نخستین ماه از سال ۲۰۰۰ میلادی، «کمال خرازی»، وزیر خارجه وقت ایران، برای ملاقات با مقامات لندن، راهی انگلستان شد. یک سال پس از سفر خرازی، «جک استراوا»، وزیر خارجه وقت انگلیس، نیز به تهران آمد. او نخستین وزیر خارجه انگلیس پس از انقلاب بود که به تهران سفر می‌کرد. استراو چندین‌بار در قامت وزیر خارجه به تهران آمد. سفرهایش به تهران بهانه‌های متفاوتی داشت. جنگ افغانستان و مذاکرات هسته‌ای در کنار بهبود روابط از مهم‌ترین دلایل سفرهای جک استراو بود. رفت‌وآمدهای مکرر استراو به تهران و روابط خوبش با ایران منجر شد تا دیپلمات‌های

اروپایی و انگلیسی به او لقب «جک تهرانی» بدهند. او در سال‌های گذشته نیز به‌عنوان نماینده مجلس بریتانیا به تهران سفر کرد و یک‌بار هم به‌عنوان یک گردشگر عادی.

اما اکنون پرونده نازنین زاغری تنها موضوع مشترک حقوقی دو کشور نیست؛ پیش از این و در نوروز ۱۳۸۶ بود که مرزبانی دریایی ایران ۱۵ ملوان انگلیسی را به اتهام «تجاوز به آب‌های سرزمینی ایران» بازداشت کرد. درحالی‌که نزدیک بود ماجرا به شورای امنیت و قطع‌نامه علیه ایران منجر شود. ۱۲روز پس از بازداشت ملوانان، «محمود احمدی‌نژاد» در کنفرانس خبری‌اش در نیمه فروردین ۱۳۸۶، ضمن اعلام آزادی این نظامیان، برای بازگشت آنها به لندن، دستور صدور بلیت هواپیمایا را به هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما) صادر کرد، ولی آنها ترجیح دادند با خط هواپیمایی

انگلیس (بریتیش ایرویز) راهی خانه شوند، هرچند فدرای اعلام آزادی ملوانان، «کت‌وشلوار»به‌تن و با دستانی پر از «بیسته»، «گز»، «صنایع‌دستی» و... تهران را به مقصد لندن ترک کردند. سال ۹۰ ماجرای قطع درختان باغ قلهک نیز موضوع چالشی دیگری در رابطه دو کشور بود. این ماجرای کج‌دارومریز تا ۹۲ سال و دیدار رئیس‌جمهوری ایران و وزیر خارجه انگلیس در نیویورک ادامه یافت.

واردات و صادرات تحت‌تأثیر تحریم

براساس آمارهای منتشره از سوی یورو استات، واردات انگلیس از ایران در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۴۲۰میلیون یورو بوده است. این رقم در سال‌های تشدید تحریم‌ها کاهش یافته و در سال ۲۰۱۴ به ۳۹میلیون یورو رسید. صادرات انگلیس به ایران نیز پیش از تشدید تحریم‌ها در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۲۰۳میلیون یورو بوده است. این رقم در سال‌های بعد کاهش یافت و در سال ۲۰۱۴ به ۱۱۳میلیون یورو رسید.

رئیس فعلی اتاق بازرگانی انگلیس و وزیر دارایی پیشین این کشور اعلام کرد روابط تجاری انگلیس و ایران پس از اجرایی‌شدن برجام، ۴۰ درصد افزایش داشته و سطح واردات بریتانیا از ایران نیز به میزان قابل‌توجهی بالا رفته است.

نگاه

اروپا و مسئله موشکی ایران

یاسر نورعلی‌وند*

● سفر بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلیس، به تهران درحالی انجام گرفته است که انگلیسی‌ها از یک سو حمایت قاطعانه خود را از برجام و اجرای آن اعلام می‌دارند و ازسوی‌دیگر، در موضعی مشترک با فرانسه از مخالفت خود با برنامه موشکی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای آن سخن می‌گویند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که نخست چه عاملی انگلیسی‌ها را همچون فرانسوی‌ها به‌سمت چنین سیاست دویپهلویی سوق می‌دهد و دوم موضع مشترک این دو قدرت اروپایی جقدر می‌تواند برای ایران و تداوم همکاری‌ها با اروپا نگران‌کننده و مسئله‌آفرین باشد.این واقعیت را نباید هرگز فراموش کرد که در یک برآورد کلی، ایران شریک و همکار راهبردی اروپایی‌ها به حساب نمی‌آید. این نکته سبب شده است که رشد روابط با اروپا در سطحی از روابط اقتصادی و تجاری مقطعی و محدود باقی بماند. در شرایط فعلی نیز برجام اگرچه درهای بسته روابط میان ایران و اروپا را گشوده است، اما این روابط به‌دلیلی که در بالا گفته شد هنوز نتوانسته است به سطح روابط سیاسی و امنیتی تسری یافته و شکل راهبردی به خود گیرد. بنابراین تا زمانی که همکاری ایران و اروپا شکل راهبردی به خود نگیرد نمی‌توان انتظار داشت که موضع آنان در قبال موضوعات راهبردی همچون برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران موضعی همسو با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. در چنین شرایطی، دستور کار سیاست خارجی آنها اتخاذ راهبردی موردبه‌مورد (Case by Case) یعنی همکاری گزینشی با ایران است. در این چارچوب، هم‌زمان که در برجام به حمایت از ایران می‌پردازند، درباره برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای آن در مقام یک مخالف ظاهر شده و منافع ملی خود را پیگیری می‌کنند. تداوم این سیاست گزینشی نیز تا زمانی خواهد بود که سایر نگرانی‌های منطقه‌ای آنان مرتفع نشود.در پاسخ به سؤال دوم باید گفت، به‌طورکلی همواره موضع مشترک اروپایی‌ها برای ایران دردروساز بوده و هرگاه آنان ناوستانند در قبال ایران به یک موضع مشترک دست یابند، موفق شده‌اند فشار نتیجه‌بخشی را به آن وارد کنند. بااین‌حال، صرف موضع مشترک مشترک کارساز نبوده و میزان موفقیت آن به عوامل دیگری نیز گره خورده است. میزان همکاری فرآآلاتنیک، میزان همکاریی درون اروپایی، وضعیت قدرت اتحادیه اروپا و اوضاع آن، وضعیت ثبات نظام بین‌المللی و منطقه‌ای و در نهایت نوع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در میزان موفقیت موضع مشترک اروپایی در قبال ایران بسیار تأثیرگذار هستند. در یک توضیح بیشتر باید گفت همکاری میان اروپا و آمریکا (همکاری فرآآلاتنیک) در دوره ترامپ بدترین شرایط تاریخی خود را طی می‌کند و اگرچه فرانسه و انگلیس با ترامپ درباره برنامه موشکی و فعالیت منطقه‌ای ایران همچننر نشانه می‌دهند، بااین‌حال دیدگاه‌ها و دغدغه‌های آنان در مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین در نحوه مواجهه با ایران چندان به هم نزدیک و از یک جنس نیست. همین اختلاف‌نظر‌ها در درون اتحادیه اروپا نیز به چشم می‌خورد؛ برگزیت انگلیس را از دیگراعضای اروپایی جدا انداختی و دستور کارهای آنان را در پسابزرگ‌یت متفاوت کرده است. علاوه‌براین، اتحادیه اروپا از نظر اقتصادی و امنیتی در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برد و از ورود به هر مسئله ثبات‌زدا و تنش‌آفرین جدیدی که چشم‌انداز روشنی برای حل آن متصور نیست، اجتناب می‌ورزد. در این زمینه، اتحادیه اروپا برجام را عامل ثبات منطقه و بسترساز همکاری سازنده با ایران در مسائل منطقه‌ای می‌داند و ورود به موضوع موشکی را در شرایطی که همکاری‌های جدیدی با ایران آغاز کرده به صلاح نمی‌داند و معتقد است که ورود به این مسائل در شرایط کنونی منطقه نه تنها تنش جدیدی با ایران رقم می‌زند، بلکه پایبندی ایران به برجام را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همین مسئله درباره انگلیس و فرانسه به عنوان کنشگرانی ملی نیز صادق است؛ یعنی با وجود اینکه آنها با برنامه موشکی و فعالیت منطقه‌ای ایران مخالفاند، اما این مخالفت را در شرایط حساس کنونی منطقه تا جایی ادامه نمی‌دهند که بیش از این ثبات منطقه‌ای را تضعیف کند. نهایتاً اینکه نوع کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز همواره در همکاری با واگرایی اروپایی‌ها از یک‌سو و اروپا و آمریکا از سوی دیگر تعیین‌کننده بوده است. یک سیاست خارجی تهاجمی و تنش‌زداست که مانع مهمی برای همکاری و فشار نتیجه‌بخش غرب به ایران می‌شود. مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که وضعیت کلی به گونه‌ای نیست که موضع مشترک فرانسه و انگلیس بتواند دست کم در شرایط فعلی برای ایران مسئله‌ساز باشد، اما اگر شرایط در آینده به نحوی رقم بخورد که این عوامل به ضرر ایران تغییر یابد، باید نگران موضع اروپایی‌ها در قبال برنامه موشکی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای آن بود.

***کارشناس مسائل اروپا و عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اروپا**